

# فردا دیر است جووانان خود را دریابیم



مجید رشیدپور

واجب می شود که هیچ نوع ضرر و زبانی متوجه او نگردد. به عنوان مثال اگر روزه دار احتمال عقلایی بدهد که روزه گرفتن برای او زیان دارد، گرفتن چنین روزه ای برای او حرام خواهد بود. حفظ سلامت در دین اسلام آن قدر مورد توجه قرار گرفته است که هر گاه مسلمانی دچار اضطراب شده، جانش به خطر بیفتد به او اجازه داده می شود برای حفظ جان خود در حد رفع اضطراب از آنچه قبلاً برای او حرام بوده استفاده کند و جانش را حفظ نماید. بنابراین در پاسخ به سؤال طرح شده نیز باید گفت که اگر هوای آلوده تهران برای کسی زیان آور باشد آن شخص نمی تواند از خود عکس العمل نشان ندهد. از همین رو عده ای از اهالی تهران برای مصونیت در برابر آلودگی هوا از ماسک استفاده می کنند، عده دیگری مسکن خود را تغییر داده، در مناطق سالم تری سکنی می گزینند تا سلامت خود را حفظ کنند و عده ای هم به اختیار خود به شهرهای کم جمعیت تر مهاجرت کرده، تا حدودی سلامت خود را حفظ می کنند. اکنون در این جا بحث دیگری مطرح می شود و آن این است که آیا انسان ها مکلف

شهر زیبای تهران که چشمان هر تازه واردی را خیره می کند در کنار همه خوبی هایی که دارد هوایش بنا به علل فراوان آلوده است. هر روز همه مردان، زنان و کودکانی که در تهران زندگی می کنند با استنشاق هوا مقداری سرب زیان آور را داخل ریه های خود می کنند و به تدریج سلامت خود را از دست می دهند. در این جا این سؤال پیش می آید که آیا اهالی تهران در چنین وضعی نباید عکس العملی از خود نشان دهند؟

اجازه بفرمایید قبل از این که به این سؤال پاسخ داده شود موضوع را از دید عقل و آیین اسلام مورد بررسی قرار دهیم. بدون تردید آیین اسلام همه انسان ها را موظف کرده است سلامت جسم و روان خود را در برابر همه عواملی که تهدید کننده اند، محفوظ نگه دارند. شاید یکی از فلسفه های تحریم برخی از محرمات در آیین اسلام بر همین اساس استوار شده باشد، زیرا اعتقاد داریم که همه قوانین الهی بر معیارهای عقلی بنیاد یافته است. لذا به خوبی درمی یابیم که هر چه برای فرد مسلمان زیان آور باشد باید خویش را از آن برکنار دارد. مسلمانان آگاه به خوبی می دانند که همه عبادات اسلامی وقتی بر شخص مسلمان



شهره‌پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

موقعیتی به زندگی ادامه دهد تا ایمان و اصول  
اعتقادی خود را آرام آرام از دست بدهد یا باید  
به فکر چاره‌جویی افتاده، در حد توان از اصول

نیستند به موازات حفظ سلامت تن از اصول  
اعتقادی و اخلاقی خود نیز دفاع کنند؟  
آیا مسلمان می‌تواند در هر جا و در هر

مسلمانان مجهز به سلاح ایمان باشند هرگز نمی‌توانند بر آنان چیره و پیروز شوند. مسیحیان اندلس تنها راه چاره را نابودی ایمان در اثر آلودگی و فساد دانستند و کوشیدند با تهاجم فرهنگی، جوانان مسلمانان را لایالی و فاسد سازند. پس از گذشت مدت کوتاهی، وقتی که همه جوانان مسلمان را به تباهی و فساد کشاندند بر مسلمانان تاخته، همه را از دم تیغ گذراندند و حکومت پانصد ساله مسلمانان را پایان بخشیدند.

امروزه نیز دنیای استکبار دریافته است که تنها راه پیروزی بر کشورهای اسلامی رواج فساد و تباهی اخلاقی در همه جوامع مسلمان است.

اکنون زنگ‌های خطر به گوش می‌رسد، زیرا برخی از جوانان این مرز و بوم آلوده به اعتیاد، بیماری ایدز و فساد اخلاق شده‌اند. آیا از همه این نشانه‌ها در نمی‌یابیم که تاریخ در حال تکرار شدن است؟

در روزنامه ایران روز سه‌شنبه ۲۸ خرداد سال ۱۳۸۱ تحت عنوان: "جوانان مجرم حاصل بحران اجتماعی"، چنین آمده است: "هر روز بر شمار پرونده‌های قضایی جرائم مختلف و انواع زندانیان با جرائم خرد و کلان افزوده می‌شود. امروزه افزایش عده مجرمین، تعداد طلاق، بزهکاری، دزدی و سایر جرائم چشمگیر است. به ادعای کارشناسان و پژوهشگران مسائل اجتماعی تقریباً ۲۵ نوع آسیب اجتماعی در پیکره جامعه ایرانی رسوخ یافته که تقریباً ۳۰ تا ۵۰ درصدشان اعتیاد است.

کاهش سن متوسط اعتیاد و رسیدن آن به مرز ۱۵ سال نشان دهنده عمق فاجعه‌ای است که جامعه ما با آن روبه‌روست.

اخلاقی و اعتقادی خود دفاع نماید؟ اگر فرد مسلمانی احساس خطر کند که به مرور زمان خود و خانواده‌اش آلوده خواهند شد، نباید دست روی دست گذاشته، به قول شاعر به انتظار بنشیند تا گرگ مزور به سراغ او و فرزندانش بیاید:

گوسفندی برد این گرگ مزور همه روز

گوسفندان دگر خیره در او می‌نگرند

دانشمندان اسلامی بحثی تحت عنوان

"تعرب بعدالهجره" دارند، بدین مضمون که در

صدر اسلام اگر مردی از روستایی به مدینه

آمده، مسلمان می‌شد تا مدتی حق نداشت به

دیار خود بازگردد، زیرا به احتمال قوی اگر به

دیار خود بازمی‌گشت، بر اثر تهاجم بت‌پرستی

دچار تزلزل شده، آیین اسلام را از دست

می‌داد.

بدون تردید دنیای امروز با دنیای گذشته

تفاوت پیدا کرده و مردم دنیا در حکم اعضای

یک خانواده‌اند، بنابراین همه افراد از یکدیگر

متأثر می‌شوند.

امروزه همه جوانان در پرتو وسایل ارتباطی

مثل ماهواره، کامپیوتر و اینترنت در اسرع وقت

می‌توانند از دقیق‌ترین مسائل علمی آگاه شوند

و نیز قادرند با همه برنامه‌های زشت و نازیبا

آشنایی پیدا کنند. لذا دشمنان اسلام می‌کوشند

در پرتو این وسایل ارتباطی و هم‌چنین مواد

مخدر، جوانان را از درون تهی سازند.

تاریخ اسلام هرگز غروب آفتاب در اندلس

را فراموش نمی‌کند،<sup>۱</sup> زیرا همه آگاه‌اند که

مسلمانان با قدرت ایمان در خاک اندلس

حکومت پانصد ساله تشکیل دادند و صدای

الله اکبر در تمامی مأذنه‌های اندلس به گوش

رسید. لذا دشمنان دریافتند تا زمانی که



نتایج تحقیق علمی دیگری که از زبان رئیس سازمان بهزیستی اعلام شد بیانگر آن است که میانگین سنی شروع به روسپیگری در بیش از ۶۰ درصد موارد، بین ۱۳ تا ۲۰ سال است.<sup>۱</sup>

هدف ما از ذکر آن چه در روزنامه ایران درج شده بود این است که خوانندگان به طور مستند با مشکلات جامعه آشنا شوند، والا عنوان مقاله به نظر من صحیح نیست، زیرا نویسنده با انتخاب چنین عنوانی خواسته است بفهماند که انسان‌های معتاد به خاطر غرق شدن در منجلاب فساد گناهکار نیستند، زیرا ایشان محصول بحران‌های اجتماعی‌اند. حال آن که خود انسان‌ها بحران‌ها را به وجود می‌آورند و این انسان‌ها هستند که بحران‌ها را از بین می‌برند یا در آن غرق می‌شوند. خداوند در قرآن کریم عامل اصلی جرم را انسان معرفی می‌کند، آن جا که می‌فرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بانفهمس<sup>۲</sup>. همانا خداوند متعال در قوم و جمعیتی تغییر و تحولی به وجود نمی‌آورد مگر آن که خود مردم در خود تحول به وجود آورده باشند.

اگر ایراد وارد شود که با گسترش و توسعه عوامل فساد و تباه دیگر مجالی برای سازندگی و تربیت وجود ندارد، در پاسخ می‌گوییم که این انتقاد منطقی به نظر نمی‌رسد زیرا وقتی که خداوند متعال انسان را آفرید به او چشم و زبان و دست داد و انسان با همین ابزار هم می‌توانست عصیان و گناه کند و هم می‌توانست در خدمت خدا و انسان‌ها قرار بگیرد. پس، از بدو خلقت عوامل گناه و عصیان در خدمت انسان قرار داده شده است و تصور این که انسان باید همه عوامل فساد را از بین ببرد تا بتواند به سازندگی بپردازد فکری خام و

ناپخته است، زیرا تنها راه وصول به کمال، تزکیه و پاک‌سازی نفس انسانی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: قد افلح من زکاه و قدخاب من دسه<sup>۳</sup>. همانا رستگار کسی است که نفس خود را تزکیه نماید و همانا زیان کار آن است که نفس خود را پلید نگه دارد.

بر این اساس پدران و مادران با برخورداری از نقش الگویی می‌توانند در بهترین دوره تربیتی یعنی زمان کودکی و خردسالی اصول ایمانی و اعتقادی را به فرزندان انتقال دهند. بدیهی است که آن چه کودک در دوره کودکی دریافت می‌کند در قلبش حک می‌گردد و آن را هرگز از دست نمی‌دهد. نوجوان با همین میراث ارزنده دوران کودکی، خود را در مراحل مختلف زندگی از آلودگی برکنار می‌دارد.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: قوا

اهتمام عمده پدران و مادران باید صرف امور تربیتی فرزندان خود شود تا در دوره‌ای که کودکان همانند زمین بکر آماده پذیرش و دریافت می‌باشند اصول اعتقادی صحیح با روش منطقی در اختیار آنان قرار گیرد و کودکان واکنش‌ها شوند.

بدیهی است وقتی کودکان آنچه را که لازم است در دوره کودکی دریافت کنند، عوامل فساد و تباهی آنان را جذب نمی‌کند و از آلودگی‌ها نجات خواهند یافت. فراموش نکنیم که عوامل اصلی سازندگی انسان، اصلاح قلب و تزکیه نفس است.

خداوند متعال نیز پس از سوگندهای مکرر فرموده است: **قد افلح من زکاه و قد خاب من دسها.**<sup>۷</sup> همانا رستگار می‌شود آن که نفس خود را پاکیزه گردانده باشد و همانا زیانکار خواهد بود آن که نفس خود را پلید نگه داشته باشد.

هم چنین فراموش نکنیم تا زمانی که انسان جرم و خطایی مرتکب نشود، عوامل تباهی و فساد هر چند فراوان باشند نمی‌توانند عامل سقوط و انحطاط انسان گردند. بنابراین فردا دیر است و تا وقت نگذشته است باید به تربیت فرزندان خود بپردازیم. به یاد داشته باشیم که قوم آلوده یونس، با توبه و انابه خود را از عذاب الهی نجات دادند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- تاریخ اسلام، تألیف دکتر گوستاو لوبون.
- ۲- قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۱۱.
- ۳- قرآن کریم، سوره شمس، آیه ۹.
- ۴- قرآن کریم، سوره تحریم، آیه ۶.
- ۵- قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۲۷.
- ۶- قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۳۰.
- ۷- قرآن کریم، سوره شمس، آیه ۹.

انفسکم و اهلیکم ناراً<sup>۸</sup>. خود و فرزندان را از آتش دوزخ باز دارید. فرزندان امانت‌های الهی‌اند و پدران و مادران وظیفه دارند در حد توان از فرزندان خود مراقبت به عمل آورند و زمینه رشد و تعالی آنان را فراهم سازند. فراموش نکنیم که انسان همانند یک سکه و کتاب نیست که تنها از وجود او نگهداری به عمل آید، بلکه موجود زنده و پویایی است که باید عوامل رشد را برای او فراهم کرد.

خداوند در قرآن داستان دو فرزند آدم را این طور بیان کرده است: دو فرزند آدم قربانی کردند. هابیل قربانی‌اش پذیرفته شد، اما قربانی قابیل مورد قبول واقع نگردید. قابیل بر برادرش رشک برد و قصد کرد تا او را بکشد. قابیل گفت: **لا تلتک، قال انما يتقبل الله من المتقين.**<sup>۵</sup> همانا من تو را خواهم کشت. هابیل در پاسخ گفت: همانا خداوند قربانی پرهیزکاران را می‌پذیرد. اگر تو به کشتن من دست برآوری من هرگز به کشتن تو دست دراز نخواهم کرد، زیرا من از خدای جهانیان بیمناکم.

نکته بسیار آموزنده که در قرآن آمده این است که دست‌های قابیل عامل قتل برادر نبود بلکه نفس قابیل بود که کشتن برادر را پذیرا شد. به عبارت دیگر قابیل نفس خود را تزکیه نساخته بود. خداوند در قرآن می‌فرماید: **فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله فاصبح من الخاسرین.**<sup>۶</sup> همانا نفس قابیل کشتن برادر را پذیرفت و از زیان‌کاران گردید. خلاصه و جان کلام آن که اگر عوامل فساد در جهان گسترده شود، باز هم زمینه سازندگی و تربیت وجود دارد، اما اگر انسان از نظر روحی و روانی ساخته نشده باشد، حتی در عالی‌ترین محیط‌های تربیتی نیز همانند پسر نوح پلید و ناصالح خواهد بود.